

۳۲

ارگان نشراتی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری
سال سوم ، شماره سی و دوم ، ماه ثور ۱۳۹۵

نسخه‌ها شهرستان

تاریخی، فرهنگی، علمی، ادبی و هنری



بهار فصل کار و زحمت



تنتنبانیه

تاریخی ، فرهنگی ، ادبی و هنری

سال سوم ، شماره سی و دوم ، ماه ثور ۱۳۹۵

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی جهانداران غوری

مدیر مسئول: نثار احمد حبیبی غوری

تنظیم کننده و سردبیر: محمد نظر حزین یار

هیئت تحریر: سید محمد رفیق نادم، استاد شاه محمود محمود، دکتور محمدعابد حیدری
استاد عبدالشکور دھزاد، نیک محمد مستمند غوری

صفحه آرای: محمد قسیم حزین یار

شماره های تماس: حبیبی: ۰۷۹۹۰۲۵۲۹۹ - حزین یار: ۰۷۹۹۲۳۷۵۷۹ - نادم: ۰۷۹۹۳۴۸۳۹۶

ایمیل: hazinyar.gjcf@gmail.com

آدرس: بنیاد فرهنگی جهانداران غوری، حوزہ غرب، شهر ہرات، گردہ پارک ترقی، سالون فانوس
دریا، طبقہ چہارم.

چاپ: ستارہ نقرہ ای - کوچہ گدام ۰۴۰۲۳۲۳۱۰

مدیر مسئول درویرایش مطالب دست باز دارد.

بدون از سر مقاله، نوشته ما و مطالب دیگر صرفاً نظر نویسنده بوده و نشریہ شناسیہ در این خصوص مسؤلیتی ندارد.

در این شماره

۱. آغاز سخن
۲. دیوان اشعار ...
۳. میر حسین سادات غوری
۴. ارتباطات
۵. سمارق چیست؟
۶. حرف دل
۷. صحت روان
۸. نقش ادبیات در زندگی
۹. صحت و سلامت بدن
۱۰. عمل از نگاه مولانا
۱۱. صفحه کودک
۱۲. مدیریت



آغاز سخن

مدیریت در امور

یکی از شاخصهای عمده و مهم زندگی، مدیریت درامور است، اگر عمیقاً توجه گردد که زندگی به چه منوالی ادامه می یابد، پروسه زندگی شباروزی وابسته به مدیریت است، حال باید بدانیم که مدیر کیست و مدیریت چیست؟

مدیر کسی است که رسالت هماهنگی یک مجموعه را بدوش داشته و توسط ایشان می تواند اهداف سازمانش را برآورده سازد، اداره امور یک نهاد یا سازمان وابسته است به مجموعه امکانات، استعداد های مادی و معنوی و ابزار که برای آگاهی افراد بکار برده می شود همچنین هماهنگی، آوردن شرایط مساعد کاری، ارتباطات بموقع و مؤثر وابسته است به هنریک مدیر.

جای بسا افتخار است که در بنیاد فرهنگی جهانداران غوری یگانه کاربرد مطلوب که می تواند این نهاد اجتماعی را به سوی افق های آرمانی آن رهنمون سازد. مدیریت سالم بنیاد است، وحدت نظر و عمل اعضا، هماهنگی و شریک سازی اطلاعات، همکاری در تمام راستا های کاری، شاخصه ی اساسی مدیریت بنیاد را تشکیل میدهد.

گرچه از بدو ایجاد بنیاد فرهنگی جهانداران غوری تا همین اکنون هیچ منبع و مرجعی دست همکاری به بنیاد دراز نکرده و بهمان منوال بنیاد نیز چنین ریسک را نپذیرفته و زیر بار مادیات کدام مرجعی نرفته، بلکه موفقانه و باعزم استوار توانسته مطابق استراتژی پلان و اساسنامه ی مدون خویش کارهای فرهنگی را بخوبی دنبال نموده و روابط نیک و حسنه را با تمام مراجع دولتی، غیر دولتی و حوزوی قایم نماید.

پس ما به این نتیجه می رسیم که در هر عرصه ی از عرصه های زندگی مدیریت کردن امریست حتمی و جزء نیاز های انسانی، ما امیدواریم بتوانیم با مدیریت جدی کماکان وظایف وطنی خود را ادامه داده، همانطوریکه تا حال توانستیم تاریخ فراموش شده ی یک مدنیت با افتخار را دوباره به هموطنان ما بازخوانی نمائیم، بهمان منوال خدمات ارزشمندی را در این عرصه در سراسر کشور عرضه داشته و مردم مانرا به حقایق تاریخی سرزمین با افتخار مان آگاه سازیم.



دیوان اشعار سلطان

علاؤالدین حسین غوری کجاست ؟

استادشاه محمود محمود

مقدمه :

در تاریخ امپراطوری غوری ها تصرف و سقوط غزنوی ها ولو اگر مؤقتی هم بوده باشد نقطه عطف در تاریخ امپراطوری غوری ها پنداشته میشود، سلطان سیف‌الدین سوری (۵۴۳ تا ۵۴۴ هـ ق = ۱۱۴۸ - ۱۱۴۹ م) اولین فرد دودمان غوری است که به خاطر انتقام برادر؛ غزنه را فتح و بهرامشاه غزنوی را منهزم نمود اخیرالذکر به طرف هند گریخت و بنا بر قول منهج السراج جوزجانی در طبقات ناصری؛ سیف‌الدین را به نیکویی ستوده و او را اول کسی از دودمان غوری میدانند که اسم سلطان بر خود نهاده است. (۱)

گرغزین را زببخ و بن برنکنم

پس من نه حسین ابن حسین حسنم. (۲)

در حالیکه برخی او را حسن نام کرده و بیت ذیل را به استشهاده میگیرند: من خود نه حسن بن حسین حسنم. (۳)

نزدیک ترین کتاب راجع به سلطان علاؤالدین غوری همانا چهارمقاله نظامی عروضی سمرقندی است که کتاب خود را در هنگام لشکر کشی سلطان، به طرف غزنی تالیف نموده است، همچنان موصوف در هنگام محاربه سلطان سنجر و سلطان علاؤالدین در صحرای اوبه حاضر بود و پس از شکست سلطان علاؤالدین مدتی مدیدی در هرات مخفی بود، درحقیقت شاعر یکی از مداحین دودمان غوری میباشد در مورد علاؤالدین مینویسد که :

چون خداوند عالم سلطان مشرق علاؤالدینا والدین ابو علی الحسین بن الحسین اختیار؛ امیر المومنین آدم الله عمره و خلد ملکه با پنجاه هزار مرد آهنین پوش سخت کوش که جمله لشکر های عالم را باز مالید و کلی ملوک عصر را بگوشه نشانده ایزد تبارک و تعالی جمله را بیکدیگر ارزانی داراد و از یکدیگر برخورداری دهاد و عالم را از آثار ایشان پرانوار کناد بمنه وجوده و کرمه. (۴)

و در مقاله دوم اضافه میکند که: زندگانش دراز باد و چتر دولتش منصور، به کین خواستن آن دو ملک، شهریار شهید و ملک حمید بغزین رفت و سلطان بهرام شاه از پیش او برفت بردرد آن دو شهید که استخفافها کرده بودند و گزافها گفته شهر غزین را فتح نمود و عمارات ال ناصر را خراب کرد، مدایح ایشان به زر میخرید و در خزانه مینهاد، کسی را زهره آن نبود که در آن لشکر یا در آن شهر ایشان را سلطان خواند و بادشاه خود از شاهنامه برمیخواند آنچه ابوالقاسم فردوسی در تعریف محمود گفته بود :

اما حسن نیت سلطان سیف‌الدین غوری در مورد غزنویان درست از آب در نیامد و غزنویان در خفا از بهرامشاه دعوت نمودند سلطان سیف‌الدین غوری چون همه لشکر و افراد خویش را مرخص نموده و به غزنویان اتکا نموده بود، این روش سبب شد که بهرامشاه برای گرفتن غزنی با جرأت عمل نماید، آنچه که برسر سلطان سیف‌الدین آمد تاریخ طبقات ناصری با جزییات توضیح داده است، در نتیجه سلطان را به قتل رساندند.

درحقیقت سلطان سیف‌الدین غوری مؤسس سلسله غوریان است، که در غزنی به قتل رسید.

بعد از سیف‌الدین برادرش، سلطان علاؤالدین حسین، (۵۴۴ تا ۵۵۶ هـ ق = ۱۱۴۹ - ۱۱۶۰ م) به قصد انتقام او به غزین لشکر کشید غزنه را تصرف و شهر ویران و سوزانده شد، بعد از فتح غزنی، تابوت برادران را با خود به غور آورد، سلطان علاؤالدین غوری با فتح غزنی، بلند پروازانه با سلطان سنجر سلجوقی به مخالفت برخاست.

ون میدانست دیر یا زود جهت انتقام شکست بهرامشاه غزنوی علیه او قرار میگیرد، بنابراین پیشدستی نموده به هرات لشکرکشی کرد اما سنجر در نبردی در وادی هریرود او را دستگیر ولی بعدها به خاطر لطافت طبع و شعرش او را حریف بزم و ندیم خود گردانید و بعد از مدتی دوباره او را به حکومت غور فرستاد.

اختلاف نام و کلام در شعر سلطان علاؤالدین غوری :

باوجودیکه طبقات ناصری نام سلطان علاؤالدین غوری را (علاء الدین بن حسین بن حسین بن سام) می نگارد اما برخی این سلطان پر ابهت امپراطوری غوری را بنا بر کاربرد نام خودش و پدر و جدش حسین و بعضاً "حسن نامیده است، در چهارمقاله عروضی نظامی سمرقندی آمده است که: نام علاؤالدین حسین است و این بیت را شاهد میآورد:

چو کودک لب از شیر مادر بشست
بتن زنده پیل و به جان جبریل
جهاندار محمود شاه بزرگ
ز گهواره محمود گوید نخست
بکف ابر بهمن بدل رود نیل
بآبشخور آرد همی میش و گرگ^(۵)

بعد از چهارمقاله عروضی سمرقندی نظامی؛ محمد عوفی در لباب الالباب از سلطان غوری در باب پنجم که در مورد «در لطایف اشعار ملوک کبار» چنین آورده است: السلطان علاو الدنيا و الدین ملک الجبال الحسین بن الحسین العاسی الغوری رحمه الله علیه سلطان علاوالدین ملکی قادر بود و پادشاهی قاهر، تاب تیغ آبدار او تاب ذایاب احداث را کند میکرد و شیر فلک از هیبت طبانچه قهر او ناخن از پنجه برمیکند، بهرام چون تأثیر انتقام او میدید شمشیر در نیام میکرد و درزیر حجاب پنهان می شد و او را اشعار پادشاهانه است و لطایف ملکانه و شعر او مدون است و دیوان او و دیوان سلطان اتسز در یک جلد در کتاب خانه سردوآبدار سمرقند مطالعه افتادست

بعد از گرفتن انتقام «رحمی در دل او آمد و مثال داد تا آنرا تسهیلی گفتند و پیش تر آن طایفه را نرنجانید و در اثنای آن حال قصیده ء متاخرتی انشأ کرد این ابیات از آنجاست :

جهان داند که من شاه جهانم
علاءالدین حسین بن الحسینم
که بادا موج زن گرد سپاهم
همه عالم بگردم چون سکندر
چو بر گلگون دولت برنشینم
چراغ دودهء عباسیانم
اجل یاریگر نوک سنانم
که باقی باد ملک خاندانم
بهرکشورشهی دیگر نشانم
یکی باشد زمین و آسمانم

و در آخر قصیده میگوید :

بدان بودم که هم از اوج غزنین
ولیکن گنده پیرانند و طفلان
بخشیدم بدیشان جان ایشان
بتیغ تیز جوی خون برانم
شفاعت میکند بخت جوانم
که بادا جانشان پیوند جانم^(۶)

در حالیکه مرحوم سرور گویا قصیده فوق سلطان علاءالدین غوری به نقل از همین لباب الالباب چنین آورده است :

جهان داند که من شاه جهانم
علاوالدین حسین ابن حسینم
که بادا موج زن گرد سپاهم
بدان بودم که از لغمان بغزنی
ولیکن گنده پیران اند و طفلان
بخشیدم بایشان جان ایشان
چراغ دودمان غوریانم
که دایم باد ملک خاندانم
اجل یاری گری نوک سنانم
بتیغ تیز جوی خون برانم
شفاعت میکند بخت جوانم
که باد جان شان پیوند جانم^(۷)

ادامه دارد....

زیرنویسها

- ۱ - جوزجانی - منهای السراج، طبقات ناصری، ج اول، تحیشه و تعلیق پوهاند عبدالحی حبیبی، کابل، ۱۳۴۲ هـ ش، ص ۳۹۳
- ۲ - سمرقندی - احمد بن عمر بن علی نظامی عروضی، چهارمقاله (مجمع النوادر)، به اهتمام و تصحیح محمد قزوینی، حواشی و چاپ محمد معین، تهران، ۱۳۳۳ هـ ش، ص ۱۵۰
- ۳ - خواند میر - غیث الدین، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر ج دوم، تهران، س ۱۳۳۳ هـ ش، ص ۶۰۲
- ۴ - سمرقندی، اثر قبل الذکر، ص ۵
- ۵ - سمرقندی، ایضا، ص ۴۶
- ۶ - عوفی - محمد، لباب الالباب، به سعی و اهتمام و تصحیح ادوارد بروان انگلیسی، با مقدمه محمد قزوینی، ج اول، لیدن ۱۹۰۶ م، ص ۳۸-۳۹
- ۷ - گویا - سرور؛ هم شاه و هم شاعر، مجله کابل، شماره اول، س اول، کابل، ۳۱۰، ص ۳۲



... میرحسین سادات غوری

سید محمد رفیق نادم

وقتی که میرحسین همراهی آن جماعت به ملتان رسید شیخ صدرالدین آن جماعت را دعوت کرد و شب بخواب دید که رسول اکرم (ص) می فرمایند که: «فرزند مرا از بین این جماعت بیرون آر و به کار مشغول کن.»

شیخ علی الصباع در حلقه های آنها حاضر شد و گفت در میان شما سید کسیت؟ همه اشارت به سوی میرحسین خود بردند.

مرید شیخ بهاالدین زکریای ملتانی فرزند او شیخ صدرالدین گردید. میرحسین میگوید: زمین هندرسیدم مرغی دیدم برکرانه آب نشسته بزرگ اندام بلند همت پاکیزه صورت هر گاه که طبع او طمعی کردی بانگ «آواز» از وجود او برآمدی در حال یک ماهی بر آوردی و نزدیک او شدی به حکم عادت ماهی را خوردی.

شرح آثار:

ماسه یا عاشقانه :

نامه نسبت به سایر آثاروقدیری سستی دارد و غالباً به وقت شباب گفته شده زیرا سدستان بوده و آغاز آشنایی وی به عرفان بوده و هنوزدرعشق مجازی اهتمام داشته با احساسات عاشقانه بیشترریخته شده و فکر عارفانه آن کمتر دیده میشود.

شعری بر وزن خسرو و شیرین نظامی و ویس و رامین فخرالدین گرگانی انشاء گردیده تعداد ابیات (۱۲۲۰) بیت میرسد و به این گونه آغاز یافته :
سرنامه کنم نام خدایی
که نتوان گفتنش چون و چرایی
ماهی سمرقندی عقیده دارد که این مثنوی را میرحسینی سادات غوری در جوانی سروده است همین است متن

سادات غوری در عاشقنامه بعد از حمد و ثنا و مناجات و درود بر سرور کائینات در اواخر نعت خود جائیکه در هندوستان خود را در بند عشق مجازی میبیند چنین میگوید:

ندارم تحفه ایی شایان درگاه
به هندوستان کنون میداردم بند
نه طاووسم که شهباز میهنم

از آن محرم ماندم اندرین راه
مرا دست قضا از پا درافگند
چرا بر خاک هندوستان نشینم

بطورنمونه از لابلای عاشقنامه سید این چند بیت را متذکر میشوم :

بلند آوازه گشتی برکش آواز
که میبازم بدو عشق حقیقی
فرو آور سر و بر آسمان باش
تو در شاخی نگر کان میوه دار است

حسینی پرده عشق بنو از
بیا ساقی بده جام عقیقی
حسینی خاک پای همگان باش
همیشه سربلندی نابکار است

بطور نمونه از لابلای عاشقنامه سید این چند بیت را متذکر میشوم :

کسی اندر مجازی پاک رو گشت
به بخش اندر کرم گفتار او را

حقیقت را مسلم گشت و بگذشت
به خوبی ختم کن کردار او را

۲- قلندر نامه :

این مثنوی است که تنها هدایت در مجمع الفصحا از آن نام برده بوزن لیلی و مجنون مولانا عبدالرحمن جامی است یک تعداد ابیات راهدایت برسم انتخاب در مجمع الفصحا آورده . میرحسین خود را در آنگیز آزادی می اندازد و حتی از بند دوزخ و بهشت می گریزد و در بعضی مصارع و حتی کامل العیار میشود و چنین میگوید :

آسوده ز خیر و شر عالم از مرگ چه دردناک باشم در عالم عشق خیر و شر نیست ما را چو مراد نامرادیست مائیم و به غیر ما کسی نیست با اهل کمال همنشینیم ما جوهر معدن کمالیم هم خرقة صوفیانه عرشیم سلطان سرای افتخاریم مظلوم و شکسته وفقیریم هر گه که شود نوراوعین لوح دل ماست لوح محفوظ شه رند محله صفاییم شاهد بازیم و می پرستیم	آزاد ز جنت و جهنم چون زنده نبود پاک باشم شادی و غمی و نفع و ضرر نیست هر غم که بما رسید شادیست وز ما بردوست ره بسی نیست در صحبت قطب راست بینیم پروانه را شمع لایزالیم هم کسوت ساکنان فرشیم درویش در سرای یاریم در چشم جهانیان حقیریم بینیم و مغیبات کونین اسرار خدازاوست ملحوظ دیوانه عالم خداییم خوش طائفه ایم هر چه هستیم
--	---

۳- صرات مستقیم :

این رساله ای میباشد که به شیوه نثر تحریر گردیده محتویات آن مربوط علوم سلوک و وظیفه ای سالکان است به خصوص برای کسانی که نو آموزرشته عرفان میباشد در مورد این رساله استاد بزرگوار مایل هروی چنین میگوید :
قرار معلوم این رساله در طریقه سحر وردیه و روش ائمه آن مکتب است که متأسفانه من آن را ندارم و ندیده ام و در کشور ما یافت نمی شود و این اثر تا حال چاپ نشده است قرار تحقیقات حسن سادات ناصری در حواشی آتشکده آذر یک جلد آن به کتابخانه ملی تهران به شماره ای «۵۹۲۲» ثبت میباشد ، این رساله را خانم دکتور فروغ حکمت تحقیقات نموده مینوسد: « غرض مولف از تالیف این رساله ارشاد و هدایت سالکان نو خواسته و نو آموز بوده تا هم در آراستن ظاهر جهد کنند و با پیرایه دین به رنگ و سلیقه ای خاص آراسته گردند و هم در پیراستن باطن به جهد بلیغ همت گمارند تا نعمت ظاهر و باطن تمام یابند . در این زمینه معلومات زیادی داده نشده است تا نگاشته میشود.

ادامه دارد...

۱. زیر نویسها
۲. ۱- مایل هروی؛ شرح حال و آثار میرحسینی غوری، ص ۲۱ چاپ ۱۳۴۴ مطبعه کابل
۳. ۲- مایل هروی؛ شرح حال و آثار میرحسینی غوری، ص ۵۱
۴. ۳- مایل هروی؛ شرح حال و آثار میرحسینی غوری، ص ۵۲-۵۳ چاپ ۱۳۴۴ مطبعه کابل



ارتباطات



مدیریت ماهنامه

اهمیت ارتباطات اجتماعی

همان طوریکه در مطلب قبلی خواندیم ارتباط انسان ها ، سنگ بنای زندگی انسانی است و بدون آن هیچگونه تغییری در زندگی انسانها بوجود نمی آید، ازجانب دیگرگسترش ارتباطات الکترو نیک، جامعه جدید را چنان از جوامع پیشین متمایز ساخته است که برخی عصر نو را عصر ارتباطات می خوانند وسایل ارتباطی، عکس العمل مستقیم از خود برجای می گذارند، این وسایل بر خلاف انتظار پدیدههای خنثی ونا کارآمد نیستند، از خود نو پدید می آورد و بر تمامی ارکان جامعه مؤثراند، این وسایل در پیدایش عادات تازه، رشد فرهنگی جهانی، تغییر در رفتار و خلق و خوی انسانها و بالاخره، کوچک شدن کره زمین و همسایگی ملل دور دست سهمی شگرف بر عهده دارد .

۱- فقدان ارتباط و آثار آن

بآنچه در تعریف ارتباط آمد، می توان گفت؛ ارتباط سرچشمه فرهنگ و موجب تکامل آن است، تازمانیکه انسانها پراکنده بودند بدرستی هیچ یک از عناصر ارتقای فرهنگی را کسب نکردند، در تاریخ علم نیز نمونه های نادری که از انسانهای تنهادرست است گواه همین مدعاست، به عنوان مثال؛ کودکی نظیرویکتور که در جنگلهای آویرن فرانسه تنهافاقد هراتباط انسانی بدست آمد، جز موجودی شبه انسان نبود و تنها شباهتش بانسان، اورگانسیم او بود، اوهم مانند حیوانات دیگر زوزه می کشید، چهار دست و پاره میرفت و جالب آنکه حتی بعد از بازگشت به جامعه و آموزش، باز هرگز نتوانست انسانی همانند دیگران شود، گویی سالهای نخست حیات در تکوین اهمیت حیاتی و ترمیم ناپذیر دارد.

مثالهای دیگر نظیر سینگ وزینگ با کودکی که اکبر شاه به عمد از جامعه جدا کرد تا نتایج این تنهایی را ببیند گواه همین مطلب است پس فقدان ارتباط، آثاری برجای میگذارد که اهم آن چنین است:

بطور مشخص؛ ارتباط از نظر لغوی واژه ای است عربی از باب افتعال که در فارسی به صورت مصدری به معنای پیوند دادن، ربط دادن و به صورت اسم مصدر به معنای بستگی، پیوند، پیوستگی و رابطه استعمال می شود .

و یا؛ ارتباط عبارت است از فن انتقال اطلاعات، افکار و رفتار های انسانی از یک شخص به شخص دیگر به طور کلی هر فرد برای ایجاد ارتباط با دیگران و انتقال پیام های خود به ایشان از وسایل مختلف استفاده می کند، موقعی که انسان به دیگری نامه می نویسد، با کتبی مقصود خود را به نظر او می رساند با وی ارتباط برقرار می سازد.

با درک تعاریف بالا ارتباطات اجتماعی دارای اهمیت خاصی بوده که در دو بعد مورد مطالعه قرار داده می شود بادرک این دوشاخه ی مهم می توان به اهمیت اساسی ارتباط در اجتماع و زندگی اجتماعی دست یازید و در اینجا لازم دیده می شود که بطور خلاصه از اهمیت ارتباط اجتماعی توضیح داد:

فقدان زبان؛ انسان دور از جامعه فاقد ابزار اساسی ارتباط یعنی زبان است، ازین رو آموخته هایش قابل انتقال نیستند و نیز امکان استفاده از تجربیات انباشته انسانهای دیگر را نخواهد یافت.

سکون نسبی زمان اجتماعی: انسانها با تجمع، به تبادل دانستنیها دست می زنند، با تراکم ارتباط این تبادل قوس سعودی می پیماید و در جریان نوع انباشت قرار می گیرد، تقسیم کار اجتماعی به بیان (دورکیم) منبعت از همین تجمع انسانها است که خود موجبات احراز تخصص و سرانجام ارتقای فرهنگ را فراهم آورد، حرکت در حیات انسان تنها ناچیز است قابل مقایسه با انسانهای قبل از تاریخ ازین روست که دیروز و امروز و فردایش فاقد تمایزی معنی دار خواهند بود و به تعبیر جامعه شناسان زمان اجتماعی او دچار نوعی سکون یا تحجر نسبی است.

عدم امکان انتقال دانسته ها: انسانها صرفاً در جمع و با تجمع می توانند مهارت‌ها، یافته ها و دانسته های خود را به دیگران منتقل سازند و با ابداع زبان و سپس خط و کتابت، موجبات بقا و دوام آنان در تاریخ فراهم آورند، در نتیجه این فرایند، به بیان (فرانسس بیکن) انسانها در هر نسل بدان مانند که برشانه نسل های پیشین جای دارند، هم از چشم اندازی وسیع تر برخوردارند و هم از دانشها، آورده ها و مهارت‌های میلیون ها پیش از خود سود بر میگیرند، از همین روست که (اگوست کنت) جامعه را تنها متشکل از زنده ها نمی داند بلکه به زعم او مرده ها نیز جزئی از جمیعت یک جامعه به حساب می آیند، چه اندیشه ها و دست آورده های آنان در جریان تبادل قرار میگیرد.

با توجه با آنچه آمد، می توان گفت؛ ارتباط انسانی منشأ فرهنگ به عنوان زمینه و مبنای حرکت و ارتقای انسانی است فقدان ارتباط، به معنی سکون نسبی در حیات انسانی و مانعی در راه هر نوع تعالی اجتماعی است.

۲- کاستی در ارتباط اجتماعی و آثار آن

اهمیت ارتباطات رانه تنها با شاخص فقدان ارتباط و آثار آن می توان سنجدید، بلکه از طریق آثار و عوارضی که در صورت کاستی در ارتباط انسانی پدید می آید، نیز می توان دید، هر قدر دانش اجتماعی به پیش می رود، بیشتر مشخص می شود که انسانهای منزوی تنها و فاقد ارتباط با دیگران، در معرض بسیاری از آسیب های اجتماعی از جمله خود کشی است.

«امیل دورکیم» می گوید؛ در اتریش (خود کشی) به همین نتیجه بدست می یابد، ازین رواز دیدگاه او، خود کشی پیش از آنکه منبعت از تنگدستی مرض یا حتا نقض عضو باشد، از خلا بین فرد و جامعه با کاستی در روابط انسانی منشأ می گیرد، از همین روست که امروزه سخن از گروه درمانی رانده می شود، بدین معنا که با بسط و تحکیم ارتباط انسان با

دیگران، می توان بسیاری از نابسامانی های روانی وی را تسکین داد.

شاید فلسفه صله رحم نیز در اسلام، با بیرون کشیدن فرد از تنهایی، می توان او را به زندگی امید وار ساخت و موجبات فراموشی بسیاری از ابتلائات او را فراهم نمود، از همین روست تأکید مکرر دین مبین اسلام بر اینکه؛ « بریسمان خداوند در آویزید و از پراکندگی بپرهیزید». یک امر کاملاً بزرگ و قابل توجه است، زیرا قرآن انسان مؤمن را از عزلت، گوشه گیری و رهبانیت برهز میدارد.

از دیدگاه دیگر با در نظر گرفتن بحران جوامع جدید صنعتی «سورکین» جامعه شناس معاصر، بر این نکته تأکید دارد که یکی از شاخص های ورود جوامع به عصر حسی، کاستی یا اختلال در ارتباط انسانی است، آنگاه که به زعم او ایدئولوژی به فراموشی سپرده می شود و یا آنگاه که از خود بیگانگی در فراموشی خویشتن خویش و غربت انسانی تجلی می نماید روابط انسانی صرفاً تابع معیار هایی چون مصلحت گرایی ماده گرایی می شود، درین چهارچوب، ارتباط انسانها آسیب پذیر، گذرا، شکننده و سست خواهد بود و همین رونده گسترش میزان طلاق، خود کشی، فحشا و همه آسیب های اجتماعی منجر خواهد گردید.

با توجه به همین شاخصها است که در دایره المعارف اجتماعی با در نظر گرفتن حرکت و بسط ارتباط انسانها و حرکت ارتقای جامعه چنین آمده است: « حرکت تمدن بشر به معنای بسط شعاع ارتباط انسانهاست، در یک جامعه ابتدایی، ارتباط فقط بین اعضای قبیله صورت تحقق می یابد و در نهایت به قبایل اطراف بسط می پذیرد که (ارتباط با آنان نیز بیش از آنکه مستمر باشد، بصورت متواتر انجام می شود) امروزه در تمدن جدید، پیدایش یک حادثه ی خاص مثلاً در پاریس، حوادث زنجیره ای وسیعی را در سطوح مختلف در دیگر نقاط جهان پدید می آورد.» که عامل اصلی آن وسعت شعاع ارتباطی از سوی وبه سرعت ارتباط از سوی دیگر است، با توجه به بسط و توسعه ی زمینه های ارتباط در جهان ما، می توان گفت که «فرآیند ارتباط در برگیرنده زمینه های از رفتار انسانی است که از مدت‌ها قبل مورد توجه سیاستمداران، انسان گرایان و مبلغین بوده است.»

ادامه دارد....

زیر نویس ها

۱- قرآن کریم

۲- آثار دورکیم دانشمند علوم اجتماعی

۳- دکتر باقر ساروخانی؛ جامعه شناسی ارتباطات



سمارق چیست؟

مدیریت ماهنامه



لغت سمارق (قارچ)، یا ماشروم (Mushroom) به تمامی سمارق های بزرگ که دارای ساقه و کلاهک جداگانه و یا سمارق گوشتی اطلاق می شود. Mushroom سمارق ماکروسکوپی است که میوه دارد و میتواند بر روی زمین یا در زیر زمین رشد کند و البته در اندازه ای که با چشم غیر مسلح قابل دیدن است و با دست می توان آن را چید.

بر طبق این تعریف Mushroom حتماً خوراکی نیست بلکه می تواند غیر خوراکی یا سمی باشد.

تأثیر مفید سمارق به عنوان یک غذا

پیش از آنکه درباره مفیدیت سمارقها بحث کنیم باید راجع به غذاومواد غذایی چیزی بدانیم، تغذیه عبارتست از ترکیبی از عناصر که به وسیله آن تمام اعضای بدن مورد نیاز خود را برای انجام عملیات حیاتی، رشد تجدید ساختار سلولی و ... دریافت می کنند.

یاغذا عبارتست از موادی که با ورودشان به بدن، نیاز به انرژی برای تداوم سلامت، رشد و تجدید حیات تأمین می شود. تغذیه مطلوب عبارت از حالتی است که بدن انسان مواد غذایی اصلی مورد نیاز خود را به نسبت درست و کامل برای رشد و انجام وظایف حیاتی دریافت می نماید. موقعیت تغذیه ای شرایطی از بدن در ارتباط با مصرف و بهره گیری از غذا می باشد. موقعیت تغذیه ای یک انسان ممکن است خوب یا ضعیف باشد. موقعیت تغذیه ای خوب به رژیم غذایی متعادل مربوط می شود که به موجب آن، بدن کلیه مواد غذایی مورد نیاز خود را به دست می آورد.

ارزش ضد ویروسی

گزارش‌هایی حاکی از وجود ماده ضد ویروس در سمارق خوراکی است. با بررسی سمارق تینوس اود و هاگ‌های آن، آثار ضد ویروسی آن در مقابل ویروس آنفولانزا در موش مشخص شده است. بخش تنولی عصاره سمارق قادر به انجام فعالیت‌های ضد ویروسی است. بررسی‌ها نشان داده است ذراتی شبیه ویروس از بین رفته در ورقه سمارقها دیده شده است.

مواد معدنی موجود در سمارق

سمارق غنی از مواد معدنی است که معمولاً به شکل انواع نمک‌ها در سمارق وجود دارد. این مواد عبارتند از کلسیم فاسفورس، پتاسیم، سدیم، ید، آهن، مس، مولیبدن، گوگرد کلورین، منیزیم، مگنیزیم و غیره.

مواد معدنی به تکوین انساج بدن کمک می‌کند. مایعات درون بدن را تنظیم می‌کند و نقش‌های مختلف دیگری در بدن دارند. مثل ویتامین، به مقدار کم مورد نیاز بدن بوده و نقش حیاتی در حیات انسان دارند. این مواد که به طور روزانه از بدن از طریق گرده روده و پوست دفع می‌شوند، لازم است روزانه وارد بدن شوند.

بهر صورت سمارق سابق در کشور مایک گیاه فصلی بود که در کوهستانهای مرکزی در فصل بهار هنگامیکه باران‌های موسمی وفرت داشت می‌روئید، این گیاه را زیاد ترچوپانها جمع آوری و بصورت‌های مختلف یعنی با شیر، روغن و یاروی آتش کباب کرده می‌خورند، حالاکه زراعت تاندازهء میخانیکي و پیشرفت نموده سمارق را در گرم خانه‌ها بصورت تخنیکي پرورش میدهند و بسا مردم از آن در سلا، غذا های خام و پخته استفاده می‌کنند، اما بهترین سمارق همان نوع طبعی آنست که از کوهستان‌ها جمع آوری میگردد.

اکثریت مردم سمارق را خشک نموده بعد از پودر ساختن با دیگر مواد طبعی بمثابه داروی دیگ استفاده می‌کنند که هم ارزش غذایی مطلوب دارد و هم در طعم و لذت مواد غذایی تأثیر خوبی دارد، همانطوریکه گفته شد فقط سمارقهای کوهی در فصل سال برای یک بار می‌رویند، البته درباغها و کنار جوی‌ها نیز این گیاه می‌روید که باید در تشخیص آن خیلی دقت داشت، زیرا سمارق‌های که در باغها می‌روید اکثراً زهری بوده و خوردن آن باعث مسمومیت‌ها و حتا مرگ انسانها میگردد، این مشخصه ارتباط میگیرد به رنگ و طعم آن که بارها دوکتوران تغذی آنرا توضیح داده اند.

موقعیت تغذیه ای ضعیف عبارت از حالتی است که در آن بدن مواد غذایی مورد نیاز خود را بسیار کم یا زیاده از حد دریافت می‌کند که منجر به بهره گیری ضعیف برای تأمین مواد مورد نیاز بدن است. خوردن بیش از حد ممکن است باعث ایجاد موقعیت تغذیه ای ضعیف برای بدن گردد. تغذیه بد به اثر فیزیکی وعده غذایی ناکافی چه از نظر مقدار و چه از نظر کیفیت گفته می‌شود. تغذیه پایین به وعده غذایی کم گفته می‌شود. موهای براق، پوست صاف، چشمان شفاف، رشد بدنی کافی و آگاهی ذهنی همه ناشی از تغذیه خوبند. موقعیت تغذیه ای خوب باعث بالا رفتن مقاومت بدن در مقابل بیماری‌ها می‌شود. تغذیه ضعیف منجر به وضعیت بدنی ضعیف موهای بی حالت، چشمان کسل، حالت بدنی افتاده افسردگی و بدعق بودن می‌شود. چنین اشخاصی ممکن است سنگین وزن یا سبک تر از وزن طبیعی باشند.

مواد غذایی چیست؟

مواد غذایی ترکیبات شیمیایی هستند که غذای لازم برای بدن را به مقدار کافی تأمین می‌کنند. مواد غذایی باید به طور مداوم مصرف شوند که شامل پروتئین، هیدروکربورها چربی‌ها، مواد معدنی، ویتامین‌ها و آب است که هر یک از آنها نقش خاصی در سلامت انسان دارند.

ارزش طبی سمارق

سمارق دارای ارزش دارویی است که بعضی گونه‌های آن برای درمان بیماری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. سالیان پیش مردم به ارزش دارویی سمارق بیشتر از ارزش غذایی آن اهمیت می‌دادند. ارزش دارویی سمارق به شرح زیر خلاصه می‌شود:

ارزش خون‌سازی

لکتین‌ها، پروتئین‌های نباتی هستند که در انواع سمارق وجود دارند این نوع پروتئین مصارف مختلفی دارند. کلتین به دست آمده از سمارق آگاریکوس کاسیشریش یک تترامر با جرم مولکولی ۶۴۰۰۰ است. لکتین به دست آمده از سمارق فلامولینا و لوپتیب دارای جرم مولکولی ۲۰۰۰۰ است. ولواتوکسین A یک لکتین به دست آمده از سمارق ولواریلولواسی است.

بررسی‌ها نشان داده است که این سمارق فعالیت خونی به طرف گروه O سلول‌های سرخ را کاهش می‌دهد. بلوروفولسین عبارت از لکتین به دست آمده از سمارق بلوروتوس است که یک عامل خونی برای سلول‌های وترو در پستان‌داران می‌باشد.

حرف و مدل

من میروم

نبی ساقی

من میروم و تمام همین خانه از خودت
شیخا و پوزه لیج و «پل کانه» از خودت (۱)
من میروم بدون کدام ادعای خاص
این خیمه های بازی طفلانه، از خودت
من میروم، فرار کنم از قفس نفس!
زنجیرها وزلفک وزولانه از خودت (۲)
حالا زمانیست که از شهر گم شود
این، آشنا که کرده ای، بیگانه از خودت
من میروم، دوباره این غبار شهر
با عاشقان کشته و دیوانه از خودت
برکت دهد خدای توانا به خرمنت
هم گاه از تو باشد هم دانه از خودت

اشک ناب

استاد غلام علی فگارزاده

آنگاه که اشک های ناب چشم تو
بر گونه های ناز تو لغزشی کند
دل در درون سینهء من سخت می تپد،
هر چند که اشکهای تو
چون قطره های شبنم صبح بهار
گرده غبار گونه گل شستشو کند
لیکن عزیز من!
هر گیزز بهر رنج
لغزیدن یک قطره اشک را
بر گونه های نازنین تو تحمل نمی کنم
خواهم همیشه
بر چشم های تو نور امید و شوق
رخساره ات لطیف و صمیمی و باصفا

ن

عبدالستار

فرصت د
آذین باد
گر فرود آ
غیر مر دار
جان دهد
داده ز ال
بهر قتل
باعبان بن
گریه بیهو
می نشوی



همخواب رقیبانی و من تاب ندارم
بی تابم و از غصه این خواب ندارم
دلتنگم و با هیچکس میل سخن نیست
کس در همه آفاق به دلتنگی من نیست

پژاوشه

خط تقدیر

مهجور کابلی

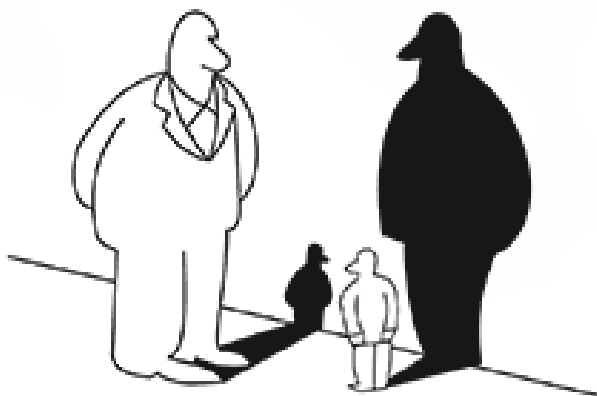
رخون تپیدن نیست نخجیر ترا
از رسای سست زهگیر ترا
بید مسیحا از فلک بهر علاج
ن، چاره نبود زخمی تیر ترا
بسمل سرودی زا که استاد ازل
مساس نگاهت آب شمشیر ترا
بیدلان امروز در گلزار حسن
هاده بر گل دام تدویر ترا
وده گم کن غمزده مهجور عشق
د آب دیده خط تقدیر ترا

۱- شیخا، پوزه لیچ و پل کانه (پل کهنه) قریه هایست در شهر فیروز کوه
۲- هدف از زنجیر، زلفک و زولانه ظرافت های شاعر در باره لوازم درب و پنجره خانه است که به حریفش واگذار می نماید.



نیاز های عزت نفس

فاطمه غلامی



داشتن از آنچه که هستیم و هر چه که هستیم و همین طور از شرم و خجالت نداشتن از وجود خود می باشد اصولاً می توان حرمت نفس را در امور مختلف زندگی شرح داد و افرادی که دارای حرمت نفس پایین هستند در زندگی خود با مشکلات فراوان روبرو می شوند.

به ادامه مطلب شماره قبلی شناسنامه که در مورد نیاز های تعلق یا نیاز های زندگی از نظر روانشناسی معلوماتی ارائه شد، کنون به تعلقات شخصی و یا عزت نفس می خواهیم مطالبی کوتاهی غرض آگاهی بیشتری خواننده های گرامی تقدیم نمائیم که خالی از مفاد نبوده برای آنانی که بخود و به توانایی های درونی خود باور ندارند، خیلی ها ارزشمند خواهد بود:

نیاز های که بیشتر مورد توجه مدیران مؤسسات و خود کارگران قرار میگیرد، نیاز های است که بلافاصله بعد از نیاز های اجتماعی تجلی می کند؛ نیاز های عزت نفس، این نیازها، تازمانی که نیاز اجتماعی بطور منطقی ارضا نشود، بصورت عوامل انگیزشی تجلی نمیکنند، نیاز های عزت نفس به این علت مورد توجه مدیران و کارگران است، که از یک طرف شخص زمانیا احساس عزت نفس می کند که بروظایف خود کاملاً مسلط باشد و از طرف دیگر به علت همین تسلط، مورد توجه و قدر دانی همکاران و سازمان قرار گیرد.

همین قسم عزت نفس در فرد و خانواده نیز زمانی نمایان می شود که، افراد خانواده بصورت مستقلانه برای رشد معنوی اجتماعی و اقتصادی شان جهش های مؤثر و مفیدی از خود بخرج داده و در بلند بردن عزت خانوادگی شان بذل همه جانبه داشته باشند، روی این اصل می توان اذعان داشت که عزت نفس بدور دومحور اساسی می چرخد که عبارت اند از:

قبل از آنکه به اصل موضوع پرداخته شود بهتر است روی عزت و عزت نفس اندکی تأمل کرد، از نظر لغت نامه های دهخدا و عمید عزت عبارت است از ارجمند دانستن، ارجمند گشتن گرامی شدن، سرفرازی و عزیز بودن در نزد خود و دیگران؛ بهمین اساس عزت نفس نیز بر معانی فوق صدق می نماید کسیکه توانایی آنرا داشته باشد که در برابر چیز های نامأنوس سرخم نکند و با وقار زندگی را دنبال نماید و از چیز های مادی و معنوی استغنا نماید دارای عزت نفس است.

دین مبین اسلام نیز بر عزت نفس امت اسلامی تأکید دارد چنانچه در آیه ۱۳۹ سوره آل عمران میخوانیم: ترجمه: «سست نشوید محزون هم نباشید اگر مؤمن باشید شما برتر از همه خواهید بود.» از حضرت رسول اکرم (ص) نقل است که فرمودند: « حوائج و خواسته های خود را با عزت نفس طلب کنید.»

خودبینی یا عزت نفس یا حرمت نفس به انگلیسی

(Self-esteem)، اصطلاحی در روانشناسی است که برای بازتاب ارزیابی یا برآورد یک فرد از ارزش خود می باشد. عزت نفس، باور و اعتقادی است که فرد، درباره ارزش و اهمیت خود دارد، حرمت نفس را می توان با عوامل مختلف توضیح داد از جمله فردی که حرمت نفس دارد معتقد است که انسان مقدس است و به دلیل این مقدس بودن نمی توان او را قربانی اعتقادات و ارزش های دیگران کرد، عامل بعد همه انسانها با هم متفاوتند یعنی بین افراد مختلف با نژادها و اقوام مختلف هیچ فرقی وجود ندارد و همین طور انسانها با هم برابرند، عامل دیگر خود دوستی و احساس خوب

۱- باورداشتن به توانمندی خود به معنای داشتن اطمینان به توانایی فکرکردن، درک کردن، آموختن، انتخاب کردن و تصمیم گیری برای خود .

۲- احترام به خود یا داشتن حرمت نفس به معنای ارزش برای خود یعنی آن که به خود حق بدهیم که زندگی کنیم و شاد باشیم .

عزت نفس یک نیاز اولیه برای انسانهاست، چون فکرکردن لازمه زندگی موفق است و این اندیشه وفکر به ما امکان می دهد که قدرت تصمیم گیری هراسان بستگی به میزان عزت نفس او دارد بنابراین نقش عزت نفس در زندگی انسان بسیار مهم و چشمگیر می باشد .

همدردی و همدلی در اشخاصی که از سلامت عزت نفس برخوردارند، فراوان وجود دارد، بدلیل پذیرش و اطمینان به خود از دیگران نمی ترسند و به اعتماد به نفس دیگران نیز احترام می گذارند، بنابراین روحیه همکاری برای دستیابی به هدفهای مشترک در افراد دارای عزت نفس سالم فراوان دیده می شود جرات ورزی و شهامت ابراز وجود در این افراد وجود دارد .

وقتی عزت نفس فردی پائین باشد چه نشانه هایی دارد ؟ هنگامی که عزت نفس در شخصی کم است، هراس و ترس از واقعیت در فرد وجود دارد و ترس از حقایق درباره خود و پذیرش خود، ترس از افشا شدن ترس از فروریختن تظاهرها و وانمودها ترس از ناکامی، ترس از تحقیر شدن، این افراد گویا برای دیگران زندگی می کنند و همواره نگران قضاوتهای دیگران هستند بنابراین جرات اندیشیدن به خود و توانمندیهای خود را از دست می دهند، زود تسلیم می شوند و دیگران می توانند به سرعت آنان را دلسرد کنند و حالت انفعال در آنان فراوان دیده می شود ترس و هراس از موانع و تصورات منفی از موانع سرراه دستیابی به هدفها از نشانه های عزت نفس پائین است .

تعیین کننده میزان عزت نفس چیست ؟ تعیین کننده اساسی میزان عزت نفس کاری است که شخص صورت می دهد و اقداماتی است که در انتخابهای آگاهانه خود به انجام می رساند اراده به معنای آن نیست که بتوانیم هر کاری را که خواهیم انجام دهیم بلکه اراده نیروی قدرتمندی در زندگی ماست که به توانایی مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی را می دهد . انتخاب و گزینش هدفهای واقع بینانه در زندگی و تمرکز بر آنان از نشانه های عزت نفس سالم است، دنبال کردن این هدفها تا تحقق دستیابی آنان حاصل اندیشه قوی اراده قوی و عزت نفس کافی است .

لازمه زندگی آگاهانه چیست ؟ لازمه زندگی آگاهانه احترام گذاشتن به خود و دیگران، احترام گذاشتن به واقعیت ها، شناخت منابع

۱- داکتر حمزه گنجی ؛ روانشناسی کار، ص ۶۷

۲- دوره عزت نفس و اعتماد به نفس | <http://www.vidafallah.com>

نیازها خواسته هاو پذیرش امکانات و واقعیتهای موجود زندگی هر فرد است، زندگی آگاهانه یعنی در برابر حقایق احساس مسئولیت کنیم یعنی اگر من آرزوی خرید لباس یا وسیله جدیدی داشته باشم و همزمان ببینم که باید اجاره خانه ام را بپردازم و در نتیجه پولی برای خرید لباس جدید باقی نماند و خرید لباس را منطقی نمی دانم و موقعیت را و امکانات خود را با حفظ احترام به خود هماهنگ می کنم . یا اگر باید تن به یک عمل جراحی و مصرف داروئی بدهم که پزشک معالجم آن را برای سلامت من لازم می داند به جای طفره رفتن از درمان و هراس و ترس از واقعیت موجود، با شهامت و آگاهانه به درمان خویش اولویت می دهم نا امید، دلسردی ترس از روبه رو شدن با واقعیت ها درست نقطه مقابل زندگی آگاهانه هستند .

اگر موضوع را کاملاً خلاصه کنیم می توان به نتیجه رسید که؛ نیاز های عزت نفس به دو گروه تقسیم میگردد؛ نیاز های که به اعتماد به نفس، استقلال، شگوفایی، شایستگی و دانستن مربوط می شود، نیاز های که با مقبولیت از طرف اعضای خانواده همکاران و سازمان مربوطه ارتباط پیدا می کند. به صورت توجه احترام، ارتقا و نشانه های شغلی ظاهر می شود.

برخلاف سایر نیازها، نیاز های عزت نفس، عملاً سیری ناپذیر است زیرا زمانی که فرد به این نیازها معنا میدهد، بطور خستگی ناپذیر آنها را جستجو می کند، باین همه، نیاز های عزت نفس زمانی تجلی می کند که نیاز های زندگی، ایمنی و اجتماعی بطور منطقی ارضا شده باشد.

کارکنانی که در رده های پائین سلسله مراتب قرار دارند، در درون سازمان کمتر موقعیت می یابند که نیاز های عزت نفس خود را ارضا کنند، روشهای سنتی مدیریت، به این جنبه انگیزش انسان خیلی کم توجه می کند.

به همین منوال زدن کودک به او می آموزد که نسبت به خود احساس بدی داشته و عزت نفسش را برای همیشه از دست بدهد. زدن کودک به بهانه تنبیه باعث می شود که او احساس عجز و ناامیدی کرده و به مرور افسرده شود و این در حالی است که «عزت نفس پائین» نیز می تواند تا آخر عمر همراه این کودک بماند.

از این رو اگر از کودک اشتباهی سرزد باید در وهله اول حتی ادای سرزنش را نیز نمایش نداد، چرا که می تواند مانند ضربه هایی روح او را برای همیشه زخمی کند، همچنین کودکان در صورت سرزنش و یالت و کوب شدن کنترل درون خود را از دست داده و همیشه برای تشخیص درست از غلط چشمشان به تصمیم دیگران خواهد بود.

ادامه دارد.....



ادبیات و نقش آن در زندگی



مشخصات یک نویسنده

۵- نقل صحیح و بموقع سخن دیگران : اگر مطلب، گفتاریا شعری را از کسی عیناً درنوشته خود می آوریم باید آنرا داخل گیومه قراردهیم و درپاورقی با ذکر مؤخذو شماره صفحه بدان اشاره کنیم، همچنین از نقل گفته ها و نوشته های دیگران بدون ضرورت واقعی و برای ازدیادحجم نوشته خود باید بپرهیزیم.

۶- اختصار: درنوشتن مطالب تلاش بخاطر کوتاه ساختن موضوع یکی دیگر از شرط های نویسندگی است، کوشش بعمل آید تا سرحد امکان نوشته ها مختصر و مفید باشد و از بحث های خارج از موضوع جداً خودداری گردد، مگر اینکه برای اثبات نکته یا مطلبی ضرورتی پیش آید.

۷- اجتناب از قلم فرسایی و مقدمه چینی بی مورد: اگر مطلب بدون مقدمه چینی که در بعضی حالات بيمورد و باعث ضیاع وقت خواننده میگردد به آغاز گرفته شود، برای خواننده ی مطلب دلچسپ تر و مورد مذاقه ی آن قرار خواهد گرفت، بدین منظور سعی گردد حتی المقدور مطلب بدون مقدمه چینی و قلم فرسایی آغاز گردد و ارتباط تعارف و جملات پوشیده دوری گردد، منظور بطور صریح، روشن و گویا برشته تحریر درآید، مخصوصاً از آوردن مقدمه طولانی یا بی ارتباط به اصل موضوع احتراز گردد.

هرچند مقدمه برای جلب توجه خواننده و آماده ساختن ذهن او جهت پذیرش و درک مطلب اصلی است، هرگاه

مقدمه کوتاه، توجه به اصل مطلب و یا موضوع باشد و وقتی از این غرض دور شود، یعنی به درازای مقدمه بینجامد خواننده راملول و اذیتفات به متن دور می سازد.

۸- پرهیز از واژه های دشوار و بیگانه : بعضی از نویسندگانی که برای جلب توجه دیگران به معلومات و داده های موصوف کوشش می کنند اصطلاحاتی را در مطالب شان بروز دهند که از فرهنگ کشور ما و یا مردم ما خیلی ها بدور است و یا آن اصطلاحات بر زبان مروج ما بیگانه و غیر قابل درک است، پس باید از کاربرد لغات و اصطلاحات دشوار و دور از ذهن و همچنین واژه و ترکیبات که معنی و مورد استعمال آنها را دقیقاً نمی دانیم احتراز گردد و نیز سعی گردد تا حد المقدور از لغات بیگانه که مترادف اصطلاحات زبان خود ما می باشد و در لسان دری است در نوشته ها کار گرفته نشود.

۹- املا صحیح کلمات : از املا ی واژه ها و وصل و فصل ترکیب ها باید دقت گردد، از نوشتن لغاتی که املا ی درست آنها فراموش شده و یا نمی دانیم جلوگیری صورت گیرد، زیرا بسا وقت ها شده که استعمال یک لغت با تبدیل حروف آن معنی دیگری را میدهد که با جمله ی که آنرا ارائه نموده ایم مخالف واقع میگردد و یا جمله را برعکس معنا می نماید.

۱۰- نکات دستوری: در سراسر نوشته باید قواعد دستوری رعایت گردد، ارکان اجرای جمله در جای مناسب آن بکار

گرفته شود، اگر این موضوع در نوشتن یک نامه، مقاله و یا کتاب در نظر گرفته نشود آنچه که به آن زحماتی متقبل شده باشد و وقتی مصرف گردیده باشد بیهوده و خارج از درک دیگران خواهد بود.

۱۱- قواعد و نشانه گذاری: یکی از عواملی که در روشنی بیان نویسنده و سهولت درک خواننده سخت مؤثر است، رعایت قواعد و نشانه گذاری است؛ ازین رو، بر همه نویسندگان است تا در همه جا این مطلب را در نظر داشته باشند.

۱۲- خوانا بودن خط: همه خط ها زیبا نیست، همه نویسندگان خط ها زیبا نمی نویسند، بعضی ها ذاتاً خط های زیبا خوانا و پرجذبه ی دارند بعضی ها نویسندگان چیره دستی اند و خط دست شان مقبول نبوده و خواننده کمتر می تواند آنرا بخواند، ولی همه می توانند در حین نوشتن خط شانرا خوانا بنویسند، خط نوشته باید روشن و خوانا و درست باشد و اگر تایپ شده باشد، افتادگی (فراموشی)، تکرار و غلط نداشته باشد، تا خواننده بتواند آنرا بدرستی بخواند و بفهمد.

۱۳- نظم و ترتیب و نظافت: نظم و ترتیب و نظافت، همه جالازم و پسندیده است، تمیز و مرتب نبودن نوشته ارزش آنرا در نظر خواننده بسیار پایین می آورد، خواننده فکر می کند که اصل موضوع بی اهمیت است و یا برای خواننده اهمیت قایل نگردیده است، روی این اصل نویسنده کوشش نماید در نوشته اش خوانا بودن، تمیز و پاک بودن، جملات ساده، عام فهم، مرتب و مرتبط را فراموش نکند.

۱۴- آوردن هر یک از انواع مطالب در یک بند جدا و مستقل: برای اینکه مطالب بهم آمیخته نشود و خواننده در فهم آنها دچار اشکال نگردد باید هر قسمت نوشته را که حاوی اندیشه، یا خواست و یا مطلب مخصوصی است، در یک بند (پاراگراف) آورده شود.

به عنوان مثال؛ اگر مقاله ی درباره یک شاعر؛ مثلاً ناصر خسرو می نویسیم و درباره « محیط زندگی » او بحث می کنیم، باید آن بحث را در یک بند جداگانه قرار دهیم و با دیگر قسمت های نوشته از قبیل شرح دوران کودکی، تحصیلات، تألیفات و سبک او مخلوط نگردد و هر یک از آنها در یک بند مستقل توضیح گردد.

کوتاهی و بلندی بند ها یا پروگرافها به نوع و میزان مطلب بستگی دارد؛ یعنی هر اندازه برای بیان اندیشه و مقصودی خاص، جمله و عبارت لازم باشد در یک بند می آوریم، ازین روممکن است یک بند از ده ها جمله و سطر تشکیل گردد و بند دیگر تنها یک جمله یا عبارت باشد؛ چنانکه وقتی بند و بخشی از نوشته تمام گردد می خواهید بند دیگری را آغاز کنید، برای ربط دادن دو بند یا بخش، جملاتی آورده شود که خود، یک بند مستقل باشد، برای مثال:

پس از شناخت محیط زندگی شاعر، اینک به تأثیر آن در سبک و افکار و آثار او می پردازیم؛ یا: اکنون باید دید که شاعر در آثار خویش به کدام یک از سبک های معروف گرایش داشته است.

۱۵- موزون بودن: سخن گفتن در واقع نوع موسیقی است هر قدر اجزاء سازنده این موسیقی، یعنی واژه ها و کلمات، خویش ادات و هر قدر ترکیب آنها موزون تر و هماهنگ تر باشد، موسیقی سخن دلنشین تر خواهد بود، مثلاً این ابیات حافظ نه تنها بیشتر از اشعار همه شاعران، بلکه از بسیاری اشعار خود حافظ هم گیراتر و از موسیقی بهتر برخوردار است:

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر

یادگاری که درین گنبد دوار بماند

داشتم دلقی و صدعیب مرا می پوشاند

خرقه رهن می و مطرب شدوزنار بماند

بر جمال تو چنان صورت چین حیران شد

که حدیثش همه جابر در دیوار بماند

طنین عبارات صدای سخن عشق و نیز عبارات گنبد دوار بماند؛ ز نار بماند و دیوار بماند؛ را نیک بشنوید و بنگرید تا معنای موسیقی کلام را دریابید.

ساختن جمله و کلام مانند ساختن بناست، همانطوریکه مصالح ساختمانی باید زیبا و محکم و در اندازه های مناسب باشد و علاوه بر آن بنا هم باید آنها را متناسب و سنجیده بچیند و به کار برد تا بنایی زیبا و محکم ساخته شود، تک تک واژه ها و ترکیب چیدن آنها نیز باید از زیبایی و سنجیدگی برخوردار باشد تا سخن دلنشین پدیدار آید.

۱۶- توجه به مخاطب: نویسنده باید مخاطب خود را در برابر خویش تصور کند، یعنی بداند که با چه کسی سخن می گوید و برای کی می نویسد، اگر برای عموم می نویسد فردی را که مثلاً در حدود دیپلوم معلومات دارد، در نظر داشته باشد و اگر برای همه دانشگاهیان می نگارد، کسی را که در حد لیسانس است در نظر داشته باشد، نویسنده کنونی باید بداند که در کدام عصر زندگی می کند؟ این عصر ارتباطات است و انتظار می رود وقت خواننده را بگیرد، بلکه مقصود خود را سهل و آسان در اخبار وی بگذارد و این مستلزم دقت و صرف وقت برای نگارش است.

ادامه دارد.....



حفظ صحت و سلامتی بدن



محمد نادر "انوش"

صحت و سلامتی از دیدگاه قرآن :

ترجمه:

خداوند نمی خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند، بلکه می خواهد شما را پاکیزه سازد و نعمت خود را بر شما تمام کند تا نعمت های او را سپاس بگویید.

صحت فردی چیست ؟

شامل دستورالعملهایی است که در جهت تأمین ، حفظ و ارتقای صحت و سلامتی فرد بکار می رود.

حفظ الصحه پوست :

پوست یکی از اعضاء مهم و وسیع بدن است . که حاوی غدد مواد چربی است ، در نتیجه فعالیت این غدد، آب، مواد زائد املاح و مقداری چربی از طریق پوست از بدن دفع می شود. فع مواد مزبور به همراه فعالیت باکتریایی که در نقاط مختلف پوست ، خصوصاً در نواحی گرم و مرطوب زندگی می کنند سبب تخمیر مواد موجود در عرق و پوست می شوند. به این ترتیب بوی نامطبوعی ایجاد می نماید که جهت رفع آن ، اقداماتی باید انجام داد.

فعالیت غدد مولد عرق در سنین بلوغ فوق العاده زیاد بوده و با ورزش ، گرمی هوا، پوشیدن لباسهای ضخیم ، خستگی ، عصبانیت ، نگرانی ، هیجان ، بیشتر می شود و به منظور محافظت از پوست و رعایت حفظ الصحه توجه به موارد زیر ضروری است :

هر کس باید بدن خود را حتی الامکان همه روزه یا حداقل هفته ای دوبار با آب و صابون بشوید. تعداد دفعات استحمام با توجه به دمای هوای ، میزان فعالیت ، آلودگی هوا و محل کار متفاوت است . شستشوی بدن با آب و صابون ، پوست را از وجود مواد زائد پاک می کند. مواد قلیایی موجود در صابون ، سبب حل شدن در چربیها و مواد زائد موجود بر پوست شده و جلوی انسداد منافذ پوستی را می گیرد.

از این آیه فوق می توان این واقعیت را نتیجه گیری کرد که تمامی دستورات خداوند درباره طهارت و صحت و نیز اجتناب از کثافت و نجاست ، برای حفظ و جلب منافع شخصی و اجتماعی مسلمانان است . خداوند اراده فرموده است تا با عمل به این دستورات، هم پاکیزگی و سلامتی روحی و هم سلامت و صحت جسمانی برای همه مردم فراهم گردد. پیامبر اکرم (ص) نیز به تمامی مسلمانان دستور می دهد و می فرماید:

به هر وسیله ای که می توانید خود را پاکیزه نمایید زیرا خداوند اسلام را بر پایه پاکی و نظافت بنا نهاده و داخل بهشت نمی شود مگر پاکیزه گان.

سلامتی چیست ؟

عبارتست از رفاه کامل جسمی ، روانی و اجتماعی ، نه فقط نبودن بیماری و معلولیت ، شخص سالم کسی است که علاوه بر سلامت جسم از سلامت روان نیز برخوردار بوده و از نظر اجتماعی و روحی در آسایش باشد.

صحت چیست ؟

صحت عبارتست از نگهداری و ارتقای سلامت و پیشگیری از بیماریها و افزایش قدرت روحی ، جسمی و اقتصادی در افرادی که به علت بیماری ناتوان شده اند.

صحت عامه چیست ؟

یکی از فعالیتهای سازمان یافته اجتماعی است که به منظور حفظ ، ارتقاء و بازسازی سلامت افراد انجام می گیرد و در برگیرنده خدماتی است که به کل جامعه ارایه می شود.

استحمام با آب گرم نه تنها سبب بهتر حل شدن مواد زائد و نرمی و لطافت پوست می شود بلکه رفع خستگی عضلانی و افزایش خون گیری پوست را نیز شامل می شود. استحمام ، بلافاصله پس از صرف غذا موجب گشاد شدن عروق پوست بدن شده و خون را از معده و دیگر اندامهای داخلی متوجه پوست می کند. برای استفاده از انواع صابون و شامپو باید به نوع پوست (چرب ، خشک ، معمولی) توجه کرد.

استفاده از وسایل شخصی در استحمام ضروریست . چرا که استفاده مشترک از این وسایل سبب انتقال بیماریهای عفونی و قارچی می شود.

از آنجا که بسیاری از بیماریهای قارچی و عفونتهای روده ای از طریق دستها و ناخنهای آلوده انتشار می یابند، شستن صحیح دستها و کوتاه کردن ناخن ها بطور مرتب ضروری است .

قبل از غذا خوردن ، طبخ غذا، هنگام آماده کردن ظروف و وسایل سفره ، بعد از رفتن به توالت و دست زدن و نظافت کردن حیوانات - باغبانی و زراعت و پس از ملاقات و تماس با مریضان مبتلا به مریضی های ساری، شستن صحیح دستها توصیه می شود.

عادات جویدن ناخن غیر صحی بوده و سبب ابتلای فرد به بسیاری از مریضی ها خواهد شد. شست و شوی روزانه پاها از تجزیه عرق و بوی نامطبوع پا جلوگیری می کند. استفاده از کفش مناسب به نحوی که هیچ گونه فشاری به پا وارد نکرده و سبب تغییر فرم طبیعی استخوان بندی پا نشود از نکات مهمی است که باید در مورد سلامت پا و ستون فقرات ، بدان توجه نمود.

حفظ الصحه مو :

- موی سالم ، ظاهری درخشان ، مرتب و قابل انعطاف دارد نکات اساسی که در حفظ الصحه مو باید مورد توجه قرار گیرد عبارتند از:

نوع شامپو و سایر مواد پاک کننده مهم بوده و انتخاب صحیح آنها با توجه به مشخصات مو، به ویژه میزان چرب بودن آنها است و باعث تقویت رشد مو و سالم ماندن آنها می شود. برس کشیدن روزانه موها باعث تشدید سرعت جریان خون در پوست سر شده و از جمع شدن گرد و غبار و مواد زائد در پوست سر جلوگیری به عمل می آورد. شوره سر با شستن مرتب موها، شانه کردن و برس زدن قابل کنترل خواهد بود. پس از شست شوی موها، برای خشک کردن آنها باید از

منابع : قرآن عظیم الشان

سایت وزارت صحت عامه

مالش شدید با حوله خودداری شود و بجای آن ، موها را با فشار دادن به حوله خشک کرد. دفعات شست و شوی موها به نوع آن (چرب - خشک - معمولی) بستگی دارد. حفظ الصحه چشم :

- اختلال در بینایی ، سبب کاهش ارتباط فرد با محیط و توان یادگیری وی می شود. به منظور پیشگیری از بروز اختلال در قوه بینایی ، رعایت این نکات ضروری است :

استفاده از حوله شخصی و تمیز، در پیشگیری از عفونتهای چشمی ، امری بسیار مهم است . هنگام مطالعه می بایست از نور کافی که از پشت سر و طرف چپ می تابد، استفاده نمود و فاصله چشمها از سطح مطالعه باید بین ۴۵-۳۰ سانتی متر باشد. در صورت بروز عوارضی مانند تاری دید، اختلال در قدرت بینایی ، خستگی در هنگام مطالعه و ... سریعاً به چشم پزشک مراجعه کنید. مصرف غذاهای متنوع و مناسب خصوصاً غذاهای حاوی ویتامین A ، در سلامت چشمها نقش اساسی دارد. در صورت مشاهده هر گونه اختلال در ظاهر چشم ها، اعم از افتادگی پلک ، سرخی ، تورم ، انحراف و ... باید سریعاً به داکتر مراجعه نمود. در صورت ورود اجسام خارجی و یا مواد کیمیایی به چشم ها از مالش آنها خودداری نمایید و سریعاً چشم را با مقادیر فراوان آب ، شست و شو داده و با یک تکه پاک پوشانده و سریعاً به داکتر مراجعه نمایید. برای شست و شوی چشم از ماساژ آن به هنگام شست و شو، جدا خودداری نمایید. بهترین راه این است که پلک ها را از دو طرف کنار زده و چشم را در زیر شیر آب نگهدارید.

حفظ الصحه دهان و دندان

دهان ، معبر غذا، آب و هوا است ، لذا حفظ الصحه آن بر صحت شش ها و معده تاءثیر مستقیم می گذارد. بسیاری از بیماری های داخلی ، از رعایت نکردن حفظ الصحه دهان و دندان ناشی می شود. طبق بررسی علم طبابت ، بعضی از مریضی هایی که به علت آلودگی لثه و دندان در معده بروز می کند، صعب العلاج می باشند. تمیز نگهداشتن دندان ها با مسواک زدن ، مورد تاءکید و عنایت شدید اسلام می باشد. تا آن جا که رسول اکرم (ص) فرمود:

اگر برای امتم مشقت نداشت ، مسواک کردن با هر نماز را بر ایشان واجب می کردم.

صحت مهم ترین وسیله ارتباطی با دیگران است که از دهان خارج می شود. همچنین ، دهان محل عبور و تلفظ آیات الهی و انواع دعاها است . بنابر این ضرورت دارد که همواره پاکیزه و تمیز باشد.



عمل از نگاه مولانا

طرح ادبی و تصوفی

مدیریت ماهنامه

برخی از اهل لغت گفته است: عمل عبارت است از آنچه در خارج واقع شده است و کاملاً به مرحله تحقق رسیده است اما فعل عبارت است از صدور عمل همراه با اختیار و قصد. و این عمل ممکن است از انسان حیوان، جن و شیطان صادر شود و نیز ممکن است صالح باشد یا غیر صالح که دارای اثر طبیعی، جزایی و الهی می باشد.

پس از این منظر عمل عبارت است از نتیجه و آثار یک کار که انسان یا حیوان با اختیار و از روی قصد انجام داده اند مثل اینکه انسان «گل» را تبدیل به خشت کند که به نتیجه و آثار که در خارج به وقوع پیوسته است عمل اطلاق می شود اما فعل عبارت است از مراحل صدور که هنوز در خارج به وقوع نه پیوسته است مثل همان مثال قبلی وقتکه انسان در حال ساختن خشت هستند و به این فعالیتها «فعل» اطلاق می شود.

مولانا جلال الدین محمد بلخی در مثنوی معنوی خویش اشاره زیبایی در قسمت عمل دارد و این تحلیل تصوفی مولانا میرساند که اعمال انسان و یا حیوان از بدو خلقت همراه بوده و نظریه تکامل انسان عمل هم به شیوه ها و مدارج مختلف تغییر می نماید، مولانا می گوید؛ هر عمل دو وجه پیدا و نا پدید دارد، وجه پیدای عمل همان فعلی است که از آدمی در ظهور می آید و در عالم هستی منعکس میگردد. و وجه ناپیدای عمل همانا انگیزه، نیت و ساختار روحی آدمی است که زمینه ساز ظهور و صدور عمل او شده است، پس وجه نا پیدای عمل بروجی پیدای عمل، تقدم شأنی و رجحان ذاتی دارد.

ازین رو توان گفت؛ که ساختار روحی انسان، یا شاکله او همچون جان است و صورت ظاهری عمل بمثابة کالبد. مولانا عقیده دارد که جمع حرکات و سکونات آدمی، از احوال درونی و انفعالات روحی او نشأت میگردد، ازینرو از روی این نشانه ها به احوال باطنی هر کس راه یافت و کیفیات روحی آنرا شناسایی کرد. مولانا این مطلب را به عنوان یکی از ارکان معرفتی و روان شناختی خود مطرح ساخته است.

هست سر مردچون بیخ درخت

ز آن بروید برگه اش از چوب سخت

درخور آن بیخ ورسته برگها

دردرخت و درنفوس و در نهی (به ضم نون)

هر عمل، به کار گفته می شود که از جانب یک شخص و یا یک حیوان به نحوی انجام گردد. داکتر محمد معین در فرهنگ لغات خویش عمل را؛ کار، کردار، فعل و اعمال جمع آنرا معنی نموده است،

همچنین معنای عمل می تواند مفاهیم ذیل را نیز حاصل نماید؛ به گفته برخی لغویان، عمل عبارت است از هر کاری که از روی قصد انجام گیرد و از نظر گستره اخص از «فعل» است؛ زیرا فعل بر کار بدون قصد نیز اطلاق می شود.

به گفته برخی دیگر، عمل به کاری گفته می شود که از روی عقل و اندیشه باشد؛ از این رو، قرین علم قرار می گیرد؛ لیکن فعل اعم است.

دانشمندان روسی عمل را طوری دیگر توضیح میدهند و این تعبیر آنها از عمل عبارت است از؛ «مسیر ذهنیت تا عینیت را عمل تعریف کرده اند» ایت تعبیر برمیگردد به عقاید و باورهای ادیان و مذاهب.

راغب اصفهانی عمل را چنین معنا کرده است: عمل هر کاری است که از حیوان از روی قصد واقع شود، آن از فعل اخص است زیرا فعل گاهی کاری حیوانات که بدون قصد انجام می شود اطلاق میشود و بعضاً بفعل جمادات نیز گفته میشود ولی عمل خیلی کم به فعل بدون قصد و فعل جماد گفته میشود.

سید علی اکبر قرشی به نقل از کتاب اقرب الموارد گفته: عمل در کاری گفته میشود که از روی عقل و فکر باشد لذا با علم مقرون میشود ولی فعل اعم است. ممکن است توأم با تعقل و تفکر باشند و در برخی مواقع ممکن است که بدون تعقل و تفکر انجام پذیرد.

پس فرق بین عمل و فعل اعم و اخص است. این فرق را از قرآن مجید نیز میشود استفاده کرد که عمل باعمال و کارهای ارادی اطلاق شده ولی فعل گاهی در افعال جماد نیز بکار رفته است مثل ترجمه: «گفت: بلکه بزرگترین شان چنین کرده است.» سوره انبیاء آیه ۶۳

در این آیه شریفه «فعل» به جمادات نسبت داده شده است زیرا آیه مذکور مربوط به داستان حضرت ابراهیم(ع) می باشد که فرموده است (چون آثار جرم در نزد «بت» بزرگ بوده است) از «بت» بزرگ سوال کنید. بنا براین بت که از جمله جمادات است «فعل» به او منتسب شده است.

منبع

۱. راغب اصفهانی حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱ ص ۵۸۷، دارالعلم الدار الشامیة، دمشق بیروت، ۱۴۱۲ ق.

۲. سوره انبیاء آیه ۶۳

۳. قرشی سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۵ ص ۴۵، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۱ ش

۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه ج ۱۳ ص ۴۳۸، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ ش.

۵- کریم زمانی؛ میناگر عشق، شرح موضوعی مثنوی معنوی

پرورش چیست؟



۱- فعالیت های پرورشی بسیار وسیع اندوتمام جنبه های زندگی را دربر میگیرند، درحالیکه کارآموزی به ساحات محدود فعالیت اختصاص دارد.

۲- هدف های پرورش عموماً بسیار کلی وجامعه اند، اما هدفهای کارآموزی معمولاً محدود و مشخص اند.

۳- دوره های پرورشی عموماً طولانی و مستمر هستند، مانند؛ دوره ابتدائی، دوره ی لیسه ووهنتون یا تحصیلات عالی، اما دوره های کارآموزی معمولاً کوتاه، مقطعی و زود گذر هستند، مانند؛ تربیت معلم، خدمات عسکری، یا کورس های تایپستی و غیره.

۴- پرورش غالباً به توسط نهاد های رسمی ودولتی یعنی مدارس ودانشگاهها انجام می پذیرد، درحالیکه دوره های کارآموزی را عموماً مؤسسات صنعتی وخدماتی خصوصی وگاه دولتی وآن هم برای تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز خودتأسیس واداره می کنند.

۵- درسیستم های پرورشی، پرورش یابندگان آزاداندتا بهره گیری از امکانات گوناگون نهاد های پرورشی، مانند معلمان دروس مختلف، لابرتوار ها، کتابخانه ها ونظایر اینها، با توجه به علاقه هاواستعداد های متنوع خود، مسیرهای دلخواه را برگزینندوزمیننه های تحصیلی مورد علاقه خود رادنبال کنند اما دوره های کارآموزی، همه کارآموزان مؤظف اندکه برغم علاقه هاواستعدادهای مختلف خودبسوی هدف های واحدی که دربرنامه دوره کارآموزی درنظر گرفته شده است، پیش بروندومهارت های را کسب کنند که حرفه مورد نیاز آن دوره ایجاب می کند.

بنابه توضیحات بالا، وظیفه عمده ی سیستم های پرورشی (مکاتب وپوهنتونها) چنانچه بیشتر گفته شد، پرورش دادن افرادموردنیاز جامعه است واین کاررا از راه کمک به رشد شخصیت پرورش یابندگان وآشنا ساختن آنان با علوم جدید معارف و میراث های فرهنگی واجتماعی نیزشگوفاساختن استعداد های گوناگون آنان انجام می دهد.

منبع

داکتر علی اکبر سیف؛ کتاب روانشناسی پرورشی ص ۲۸

لغت پرورش دربرابر کلمه Education بکار برده می شودواز عنوان آموزش پرورش تنها درجایی که فهم مطلب را سهولت می بخشد، بعضی وقت ها دربرابراین کلمه وزارت تعلیم وتربیه یا ریاست های دوم و سوم تاسطوح مکاتب ابتدائیه درحضور ماخطور نمایندکه هدف آن هدایت و رشدجسمانی، روانی ویا بطور کل هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان درجهت کسب ودرك معارف بشری وهنجرهای مورد پذیرش جامعه ونیز کمک به شگوفاشدن استعداد های آنان است.

هرگاه از چوکات رسمی مکاتب و تحصیلات عای برآئیم؛ مهد اولی پرورش کانون خانواده وآغوش والدین است، که درآنجا هم پرورش جسمی وروحي انجام می شود، یگانه جای که طفل به رشد و نمو می پردازد، کانون خانواده است وطفل از همانجا برای آینده باثمرخویش با به عرصه زندگی می گذارد.

بنابه این تعریف ، یک نظام پرورشی موفق هم فردرا درشگوفاساختن استعداد های ذاتی اش کمک می کندوهم اورا به عنوان یک فردآگاه از مسایل جهانی و متعهد به ارزشهای جامعه ی که به آن وابسته است، پرورش میدهد، هدف عمده مکاتب ابتدائی، راهنمایی ومتوسطه ونیزهدف پوهنتونهاودیگر مؤسسات تحصیلات عالی، پرورش دادن این گونه افراد است.

پس ازآنجائیکه وظیفه اصلی وزارت خانه های که تدارک تحصیلات عالی رسمی را برعهده دارند، تحقق بخشیدن به هدف فوق است عنوان وزارت تربیه و پرورش کفایت می کندواگرینا به ضرورت تقسیم کار، صلاح است که برای تحصیلات دانشگاهی دوزارت خانه وجود داشته باشند، عناوین وزارت پرورش، وزارت پرورش عالی عنوان های درستی هستند چنانچه مادرکشور خود وزارت معارف ووزارت تحصیلات عالی نمونه ی از مثال است.

پرورش و کارآموزی

یکی از مفاهیمی که غالباً و به اشتباه با مفهوم پرورش معادل فرض می شود، کارآموزی معادل اصطلاح انگلیسی (Training) است که درزبان فارسی دری گاهی به تربیت معنا شده است، بنا به تعریف، عملکرد مناسب دریک تکلیف یا شغل معین مفاهیم پرورش وکارآموزی ازهم متمایز هستندوتفاوتهای بین آنها را می توان بصورت ذیل دریافت:



عوامل محیطی تصمیم‌گیری

مدیریت ماهنامه

است که عمیقاً تحت تاثیر ارزشهای جامعه است. علاوه بر تأثیری که از طریق ارزشهای مدیران، کارکنان و دیگر افراد مرتبط بر فرآیند تصمیم‌گیری و خط مشی‌گذاری به وجود می‌آید، نظام فکری، اخلاقی و ارزشی جامعه نیز به طور مدام بر تصمیمهای مدیران تأثیر می‌گذارد. ازسوی دیگر، اینکه در مرحله شناخت مسئله، چه چیزی را مسئله بدانیم، با کدام اولویت، با هم متأثر از ارزشهای محیطی است.

رابیز یکی از اساسگذاران علم مدیریت می‌گوید: «ارزشهای اصلی سازمان، که به مقیاس وسیع مورد توجه همگان قرار می‌گیرند، معرف فرهنگ آن سازمان هستند.»

وقتی افرادی با دو فرهنگ مختلف، در برابر مدیر و یا سرپرستی قرار می‌گیرند، این عامل بیشتر جلب توجه می‌کند چنانچه یکی از واحدهای حفاری چاه‌های نفت در عربستان دارای کارگران محلی، چینی و کوریایی باشد، مدیر آمریکای واحد حفاری نمی‌تواند تصور کند، که چرا تعدادی از کارگران محلی در موقع نماز پیشین بدون توجه به موقعیت حساسی مرحله حفاری، کار را رها می‌کنند و اقامه نماز می‌نمایند.

مدیران می‌باید به میزان اهمیت مبانی ارزشی خود و دیگران واقف باشند، زیرا سیستم ارزشی، آثار گوناگون و بسیاری در پی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

۱. دیدگاه مدیران در مورد گروه‌ها و افراد تغییر بدهد و در نتیجه ارتباط بین او و دیگران تحت تأثیر این موضوع قرار گیرد مثلاً ممکن است یک مدیر زنان را پائین‌تر از مردان بدانند و تصور کنند که زنان باید خانه‌داری کنند، اما مدیری دیگر، زنان را با مردان برابر فرض کند قطعاً هر کدام از این دو دیدگاه، آثار خاص خود را دارد.

۲. سیستم ارزشی می‌تواند مدیر را به تصمیم‌گیری فردی و یا تصمیم‌گیری مشترک معتقد بنماید.

۳. سیستم ارزشی می‌تواند مدیر را به اجرای حداقل موازین اخلاقی و یا حد اکثر آن وادار نماید، سیستم ارزشی دیگر اجرای موازین اخلاقی را بالاتر از حد ضروری بداند.

ادامه دارد.....

هر سازمان ذاتاً بر اساس پالیسی‌ها، اساسنامه‌ها، اهداف و مقاصد پایه‌گذاری می‌گردد، این اسازگذاری سازمان بمثابة یک ارگان سیاسی و اجتماعی بوده که باتصمیم‌گیری‌های متنوع می‌تواند بسوی اهداف تعیین شده حرکت نماید عبور از چالشها و موانع بستگی دارد به اینکه چگونه باید در تصمیم‌گیری خویشت قطعیت داشت و چطور می‌توان مدیریت خویشت را در محیط و اجتماع تأثیر گذار نمود؟

هیچ حرکتی در سیستم‌های محیطی، مهم تر از رفتارهای سیستم سیاسی و یا تغییراتی نظام سیاسی صورت می‌دهد نیست، سیستم سیاسی در هر جامعه‌ی یا توجه به حجم اندک خود، بیشترین اثر را بر جامعه و تمام اجزای آن می‌گذارد و سیستم سیاسی را در جامعه می‌توان به ارگانهای تولیدکننده هورمون و انزایم تشبیه کرد، که با حجم بسیار کم هدایت و فعالیت‌های کل بدن را در اختیار دارند.

یک نکته حساس در سیستم سیاسی جریان دارد و مسئولیت‌نهایی هدایت تمامی سیستم‌های فرعی دیگر و نهایتاً کل جامعه به عهده مدیریت نظام سیاسی است.

سیستم فرعی محیطی دیگری که بصورت عامل قوی بر سازمانها و یا نهاد‌های مدنی تأثیر می‌گذارد، سیستم اقتصادی است، نمونه بارز این عامل، نوسانات شدید قیمت نفت و گاز در سطح بین‌المللی است که بر تمام سازمانهای عمومی و خصوصی اثر می‌گذارد.

علاوه بر سیستم‌های فرعی مشخص و بارز مانند؛ سیستم‌های سیاسی و اقتصادی، عوامل دیگری نیز، مانند عامل فرهنگی که محسوس و عیان است، سازمانهای عمومی و خصوص را احاطه کرده‌اند، تصمیم‌گیری در سازمان بدون توجه و محاسبه آثار این عوامل منطقی نیست.

فرهنگ عبارت است از؛ ارزشها و ویژگی‌های مشترک یک جامعه، مانند زبان، مذهب و گذشته‌ی تاریخی که باعث تمایز یک جامعه بر جامعه‌ی دیگری می‌گردد، ارزشها عبارتند از اعتقادات بنیادی که برای فرد اهمیت دارد و برای زمانی نسبتاً طولانی ثابت می‌مانند.

تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری از دیگر عناصر سیستم

SHANSA BANEYA



Mobile: 0799237579
Email: hazinyar.gjcf@gmail.com